



استراحت شکارگران، صفات
العاشقان، قزوین یا مشهد،
حدود ۹۸۸ هـ.ق، (۲۳×۱۵/۵)،
مجموعه خصوصی.



تطبیق شکل درخت در طبیعت با آثار نگارگری ایرانی

سمیه صالح شوشتری * علی اصغر شیرازی **

چکیده

بررسی تطبیقی گونه های درختان در طبیعت با نمونه هایی مشابه در آثار نگارگری ایرانی، تعمقی است در چگونگی بازتاب شکل و ساختار درختان در نگاره های ایرانی؛ با مقایسه تصاویر گونه های درختان و تصاویر آثار نگارگری.

در این مقاله پس از نگاهی گذرا به طبیعت در عرفان اسلامی و رویش گاه های درختان ایران، ضمن آشنایی با گونه های درختان باغ های ایرانی، برخی از انواع درختان ایران با گونه های همسان آن ها در آثار نگارگری مورد تطبیق قرار گرفته است.

نتیجه کلی این پژوهش بیانگر این است که در اغلب آثار نگارگری، دقت و توجه نگارگر به اصل و جوهره درختان، جنبه ای مثالی به آن ها بخشیده و توجه به شکل ظاهری درختان سبب مشخص شدن گونه های آن ها در بسیاری موارد گردیده است. همچنین علاوه بر اینکه نوع و گونه های درختان ترسیم شده در آثار نگارگری معمولاً هماهنگ با پوشش گیاهی مناطق شکل گیری مکاتب بوده، اما صرف نظر از شرایط اقلیمی محل خلق اثر، برخی از گونه ها چون سرو، چنار و درختان شکوفه به جهت اهمیت جنبه نمادین شان، در اکثر نگاره ها به چشم می خوردند.

واژگان کلیدی

نگارگری ایرانی، درخت، طبیعت.

somayeh.s.shoostari@gmail.com

a-shirazi41@yahoo.com

* کارشناس ارشد نقاشی دانشکده هنر دانشگاه شاهد

** استاد یار، هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد

مقدمه

در آثار نگارگری ایرانی، هنرمند نگارگر بر اساس اینکه فضای اثر، طبیعی بکر است یا یک باغ، در ترسیم درختان به گونه ای متفاوت عمل نموده است؛ تفاوت این دو فضا در این است که در طبیعت محل قرارگیری درختان و شکل ظاهری آن ها صورتی وحشی به خود گرفته، اما در فضای باغ چون دست باغبان و دخالت انسان در میان بوده مسلماً طرز قرارگیری درختان و شکل ظاهریشان دارای نظم است. درختان چه در باغ و چه در طبیعت وحشی زیبایی خاص خود را دارند و در آثار نگارگری، مانند جنبه های گوناگون دیگر، می توان این زیبایی را به وضوح مشاهده نمود.

درخت در باغ های ایرانی

در بررسی معماری کهن ایرانی، مشاهده می شود ساختن باغ همراه عمارت هایی زیبا که در وسط آن قرار داشته، دارای اهمیتی خاص بوده است. این باغ ها به طور معمول به منظور تفرجگاهی بوده برای صاحبان آن ها؛ اما ساخت چنین مکان هایی بیشتر خاص شاهان، شاهزادگان، درباریان و در مجموع اقدار مرفه جامعه بوده است. بنابراین از آن جا که در فرهنگ ایرانی باغ، دارای جایگاهی ویژه است، نگارگران ایرانی در بسیاری از آثار خود فضای باغ ایرانی را با همان ویژگی های خاصش (همراه با درختان، عمارت های زیبا، حوض ها و جوی های آب و غیره) ترسیم نموده اند.

تطبیق گونه هایی از درختان ایرانی در آثار نگارگری با نمونه های همسان

به طور کلی آنچه به باغ ها و مناظر نگارگری های ایرانی حالت تغزلی می بخشد، برداشت نقاشان از واقعیت است، چه در زمینه رنگ و چه در زمینه شکل. گاه نگارگران شکل درختان را به طبیعت نزدیک نموده و گاه آن را کاملاً تجریدی و مثالی تصویر نموده اند. اما در هر حال در ترسیم شکل گیاهان و درختان قید به واقع گرایی محض وجود ندارد بلکه به طور کلی به الزامات درونی اثر، مانند موضوع آن، روحیات هنرمند و نیز عوامل بیرونی از قبیل تحولات هنری برخوردار است از مکاتب نگارگری، شرایط اقلیمی طبیعت محل خلق اثر و حتی نوع نگرش سفارش دهنده و حامیان آثار نگارگری در دوره های مختلف وابسته است.

درختان از نظر ویژگی های گیاهی به سه دسته کلی تقسیم می شوند؛ پهن برگان، سوزنی برگان یا مخروط داران، درختان گرمسیری و نخل ها. در گونه پهن برگان دو خانواده درختان پهن برگ خزان کننده و نیز پهن برگان همیشه سبز جای دارند؛ که از میان این دو خانواده برخی درختان جزو درختان سایه دار و گروهی دیگر درختان میوه دار هستند.

نگارگران ایرانی در ترسیم طبیعت نگاره های خویش، عالمی مثالی را تصویر می کردند و شکل های درختان نیز در اغلب نگاره ها به تأثیر از همین نگرش شکل می گرفت. در این نوشته در واقع بررسی تطبیقی شکل درختان در طبیعت با درختان در نگارگری، با استناد به تصاویرگونه های متنوع درختان و آثار نگارگری دوره و مکاتب مختلف، مد نظر بوده، تا پاسخی باشد روشن بر این پرسش آیا انتخاب گیاهان و درختان در آثار نگارگر ایرانی مرتبط با پوشش گیاهی محل زندگی او بوده؟ و آیا می توان گفت در تمامی مکاتب نوع برخورد هنرمندان تابع یک نظام بوده است؟

در این مقاله، بررسی این نکات مورد نظر است: با توجه به مبانی عرفانی در برخی نگاره ها درخت ویژگی مثالی پیدا کرده؛ و نیز نگارگر سعی داشته شباهت بین آنچه به عنوان درخت ترسیم شده را با نمونه طبیعی آن حفظ نماید.

اهداف اصلی در این تحقیق بررسی این موضوع است که در تمامی مکاتب نوع برخورد هنرمندان تابع یک نظام بوده است؛ همچنین مشخص کردن پوشش های گیاهی خاص به گونه ای که در نگارگری ها بدون در نظر گرفتن شرایط اقلیمی تکرار شده اند.

طبیعت در عرفان اسلامی

«در نزد عرفا و حکمای اسلامی، عالم ملک و طبیعت هر چند نازلترین مرتبه از مراتب و حضرات وجود است و در انتهای قوس نزول قرار دارد، اما به جهت آن که عالم، ماسوای حق، و طبیعت بنا بر مرتبت خود، بهره و حصه ای از وجود حق دارد، نزد عرفا و از جمله هنرمندان دارای شأن و مرتبه مهمی است.» (گلستان حبیبی، ۱۳۸۳، ۲۴)

«نگارگر ایرانی انسانی متفکر، با دانش، خلاق و حساسی بوده است که با متفکرین و عرفا حشر و نشر داشته و از محضرشان کسب فیض نموده و جهانی منطبق با اندیشه هایشان که منبعث از ارض الحقیقه بوده است، رقم زده و برای داوری زمان به یادگار گذاشته است.» (حسینی، ۱۳۸۴، ۱۴)

رویش گاه گونه های درختان در ایران

درخت را می توان از دیدگاه گیاه شناسی به عنوان یک گیاه بزرگ چوبی چند ساله تعریف کرد. اگرچه تعریف ثابتی درباره اندازه آن وجود ندارد، اما می توان گفت یک درخت بالغ معمولاً دارای ارتفاع حداقل ۴/۵ متر بوده و شاخه های آن به یک ساقه اصلی متصل هستند. درختان اجزای مهمی از مناظر طبیعی و عناصر ضروری در ساخت فضای سبز به شمار می روند.



تصویر ۳- خسرو، شیرین را در حال آبتنی می بیند، از خمسه تهماسبی، منتسب به سلطان محمد، تبریز، حدود ۹۴۷ هـ ق، لندن،



تصویر ۲- درخت چنار در نگاره سلطان محمد.



تصویر ۱- درخت چنار در رویشگاه طبیعی

درخت چنار

«درختی خزان کننده که رشد قابل توجه دارد، این گونه درختی با نمایی با شکوه و تاج پوشش بزرگ و قابل ملاحظه به علت داشتن شاخه و برگ زیاد و مترکم در بیشتر مناطق از قدیم کاشته می شد.

پوست تنه آن خاکستری مایل به سبز شفاف، صاف و لکه دار و برگ های آن کشیده، پنجه ای و دندانه دار می باشد. این درخت دارای انواع بسیار متنوعی است که گونه هایی از آن در استان تهران، اصفهان و چنار معمولی در فلات ایران و بیشه های طبیعی آن مشاهده شده است. نوع خودروی آن به طور کلی در استان های مازندران، گیلان، آذربایجان، خراسان، کردستان، لرستان، کرمانشاهان، چهارمحال و بختیاری، فارس، اصفهان و کرمان بیشتر به چشم می خورد.» (ثابتی، ۱۳۸۲، ۷۲ تا ۷۴)

تطبیق شکل درخت چنار با گونه همسان در نگارگری

تصویر ۳، این اثر که برای خمسه تهماسبی، مصور گردید؛ از جمله آثار سلطان محمد می باشد. «او که از برجسته ترین استادان بنیانگذار مکتب تبریز دوم، به شمار می آید، با بهره گیری از دستاوردهای کارگاه های درباری ترکمنان و تیموریان، به سبک شخصی، ابتکاری و شاعرانه ای رسید.» (پاکباز، ۱۳۷۸، ۳۰۸) این روش همراه با تخیل و مهارت سلطان محمد، در آثار او، و نیز در تصویر مذکور مشهود است.

در این اثر درخت چنار راست قامت، نمادی از خسرو از نگاه شیرین و درخت شکوفان سیب، که به

زیبایی تمام درحال خرامیدن است، می تواند جلوه شیرین از نظر خسرو باشد.

از کنار هم گزاردن تصویر درختان این نگاره و گونه مشابه با آن ها در طبیعت مشخص می شود، که شکل های کلی مشابهی دارند. در مورد درخت چنار، نگارگر برای نشان دادن انبوه برگ ها، لابه لای شاخ و برگ ها را تیره نموده است؛ و شکل برگ ها را با قلمی روان و راحت، با حفظ تنوع در شکل آن و نیز با در نظر گرفتن ساختار کلی برگ چنار، ترسیم نموده است. نوع رویش تنه اصلی درخت و شاخه های آن، تقسیم آن ها به شاخه های فرعی تر، حرکت زیبایشان در میان انبوه برگ ها، همچنین شاخه های وحشی روئیده از تنه درخت شباهت زیادی با شکل واقعی چنار دارد. اما درخت شکوفه سیب که به سمت چنار خمیده است، متناسب با گونه طبیعی خود و در جهت کمک به زیباتر نمودن مفهوم اثر، با ظرافت بیشتری همراه شده؛ و تازگی شکوفه و برگ های آن، طراوت درخت سیب را در فصل شکوفه دهی نشان می دهد.

جنس صنوبر

صنوبر درختی است از تیره مخروطیان که همیشه سبز است و جزو درختان زینتی باغ ها محسوب می شود خزان کننده و پهن برگ است.

یکی از گونه های صنوبر (سپیدار) تبریزی است که به گفته کریم ساعی در کتاب جنگل شناسی از این گونه درخت (تبریزی) دو نمونه در ایران یافت می شود:

۱- گونه ای از آن در تهران به نام شال یا شالک، و در همدان به نام دله راجی معروف است؛ و از صنوبر



تصویر ۶- محفل علما، آقا رضا، قزوین یا اصفهان، حدود ۹۹۹ هـ. ق، پاریس، کتابخانه ملی.



تصویر ۴- برگ درخت شالک



تصویر ۵- درخت شالک در اثر محفل علما، آقا رضا.

کمی دارد». (روحانی، ۱۳۸۴، ۵۹)
گونه تبریزی: «این گونه درختی متوسط با تاجی نسبتاً تنگ می باشد. پایین تنه آن ضخیم تر است و به تدریج باریک می شود. رنگ پوست تنه درختان جوان خاکستری مایل به سبز و منفذ دار اما در درختان مسن سیاه رنگ و دارای شکاف های عمیق در بخش پایینی تنه است. شاخه های جوان، باریک و به رنگ قهوه ای - زرد براق و مسن تر ها خاکستری هستند. برگ ها خزان دار متناوب، تخم مرغی یا لوزی شکل تا گرد و در حاشیه نیز دارای دندانه های نا منظم و زبر با نوک تیز یا کند می باشند». (ماجت، ۲۸۳، ۷۹)

«گونه تبریزی نسبت به گرما و سرما، مقاوم (سازش پذیر) بوده و در هر نوع خاکی به خوبی رشد می کند. بادهای متوسط را تحمل کرده ولی شاخه ها در بادهای شدید می شکنند و درخت واژگون می شود».

(روحانی، ۱۳۸۴، ۵۸)

تطبیق شکل درخت شالک با گونه همسان در نگاره/ محفل علما

این نگاره برای صحنه ای از تاریخ انبیاء، اثر اسحاق ابن ابراهیم، مصور شده، و یکی دیگر از آثار

است که دار آن راست و محکم نیست و آن را شال دل، حشنگ، اره قلمه و صنوبر می نامند؛ و همچنین جنسی از تبریزی که گره دار باشد و راست برنیاید.
۲- گونه دیگر آن در بیشتر نقاط ایران به نام تبریزی و درهمدان به نام راجی خوانده می شود». (دهخدا، ذیل عنوان تبریزی)

گونه شالک: «این درخت یکی از بزرگترین انواع صنوبرهاست. تاج این گونه نسبتاً تنگ بوده و حالتی گسترده دارد. تنه آن معمولاً راست و استوار نبوده و دارای گره هایی است. پوست خاکستری-قهوه ای آن به مرور با رشد درخت به رنگ قهوه ای تا سیاه درآمده و شیارها و شکاف هایی شبکه مانند در آن به وجود می آید.

شاخه های جوان به رنگ قهوه ای زرد و مسن ترها خاکستری تا خاکستری - سیاه و بسیار ترد و شکننده و گاه پیچ و تاب دار می باشند. برگ های متناوب آن تخم مرغی تا لوزی شکل هستند که در سمت نوک به تدریج باریک می شوند. در حاشیه دارای دندانه های زبر، در سطح رو سبز تیره و براق، در سطح زیر سبز روشن می باشند». (ماجت، ۱۳۸۳، ۷۸) «این گونه در هر نوع خاکی رشد می کند؛ ولی درمقابل بادهای شدید مقاومت



تصویر ۷ جشن عید فطر، دیوان حافظ، تبریز، سلطان محمد، حدود ۹۳۲ هـ ق.

به شکل خمیده دیده می شود و نگارگر جهت بهتر شدن ترکیب اثر از شکل خمیده این گونه درخت استفاده کرده است.

تطبیق شکل درخت تبریزی با گونه همسان در نگاره / جشن عید فطر

جشن عید فطر نگاره ای از دیوان حافظ است، که به قلم استادانه سلطان محمد نقش بسته است. در کنار عمارت شاهی درختان باغ جلوه ای عرفانی به مجلس داده و نحوه چینش آن ها، هر چند در فضایی کم و در پس زمینه اثر، شیوه باغ آرای ایرانیان گذشته را به خوبی نمایان می سازد. در آن جا که ردیف درختان پشت عمارت امتداد پیدا می کند از لابه لای افرادی که بر بالای پشت بام در حال رویت هلال ماه عید هستند، می توان انتهای درختان را دید. شکل عمودی درختان سرو و سپیدار (تبریزی) و شاخه های پیچان درختان بید که بین آن ها تکرار شده، در یک خط افقی و در کنار حرکت دوار و حلزونی، که از نحوه نشستن منظم درباریان و سپیدی عمامه هایشان ایجاد شده، ترکیبی

آقارضا می باشد. « در این اثر مطابق با موضوع آن، شاهزاده ای جوان در میان جمعی از حکیمان نشسته، در حالی که خود، حضور در خرابات را در همه حال مرجع می شمرد؛ در واقع این خصلت نمودی از روحیه نقاش است که روحانیون این تساهل کفر آمیز او را مجاز نمی دانستند، ولی حمایت شاه زبان بدگویان را می بست.

جسارت نگارگر در اجرای مضمون از جهات مختلف نمایان است و خطوط تیز و تک، شتاب زده، مهاجم و صریح، با حرکت از میان اجزای تصویر سرانجام خود را به درخت پیچان و شاخه هایش که مظهري از سرگشتگی و شتابزدگی جوانی اند جان بخشیده است. (کوریان، ۱۳۷۷، ۲۲۵ تا ۲۲۶) درختی که به زیبایی تمام در ترکیب اثر جای گرفته، از گونه درختان تبریزی و از نوع شالک می باشد، که با دقت تمام خصایص خود را حفظ نموده و شباهت شکل و رنگ برگ ها و ساختار کلی آن با نمونه های موجود در طبیعت کم نظیر است. درخت شالک در طبیعت هم به صورت افراشته و هم



تصویر ۱۱- درختان نارنج و پرتقال در اثر همای در مقابل کاخ همایون، جنید، مکتب بغداد.



۹- همای در مقابل کاخ همایون، دیوان خواجه کرمانی، اثر جنید، نیمه دوم سده هشتم هجری، مکتب بغداد، لندن، کتابخانه بریتانیایی.



تصویر ۱۰- درخت پرتقال در فصل میوه دهی، رویشگاه طبیعی.

بوده و شکلی متناوب و بیضوی دارند. میوه ها اغلب کروی شکل هستند و رنگ پوست آن ها در گونه هایی مانند بالنگ و لیمو، سبز، سبز-زرد و در پرتقال و نارنج و ترنج نارنجی می باشد. مرکبات درنواحی گرمسیر و مرطوب عمل می آید، در ایران مخصوصاً در سواحل بحر جنوب، بعضی نقاط جنوب، برخی شهرهای شمال، در گیلان و مازندران فراوان است.» (دهخدا، ذیل عنوان مرکبات)

همای در مقابل کاخ همایون

این اثر نگاره ای برای نسخه دیوان خواجه کرمانی

کامل تر را نشان می دهد .
مرکبات و تطبیق شکل آن ها با گونه همسان در نگارگری

« به انواعی از درختان گرمسیری گفته می شود که میوه هایی ترش، ملس و یا شیرین و معطر دارند. این گونه درختان خزان نمی کنند و برگ های آن ها در زمستان بر درخت می ماند.» (دهخدا، ذیل عنوان مرکبات)

«مرکبات درختانی هستند با تاجی متراکم، کروی و ساقه بلند؛ برگ ها براق و سبز پر رنگ، شکننده و لغزان



تصویر ۱۳- درخت گیلاس در فصل شکوفه دهی در اثر استراحت العاشقان، قزوین یا مشهد، حدود ۹۸۸ هـ.ق، شکارگران. (۲۳ × ۱۵/۵)، مجموعه خصوصی.

تصویر ۱۲- شاخه شکوفان گیلاس

رنگ سبز روشن است. گل‌ها سفید یا صورتی متراکم و به پهنای ۲ سانتیمتر و به شکل خوشه‌هایی در اوایل بهار و معمولاً قبل از برگ‌ها، شکوفا می‌شوند. میوه گیلاس کوچک به قدر فندق، شیرین و از جنس آلبالو است، اما کم‌رنگ‌تر از آن؛ و اولین میوه‌ای است که در ایران بعد از توت در بهار به دست می‌آید. درخت گیلاس مناسب کشت در مناطق معتدل و گرم است و در اقلیم‌های بسیار گرم و خشک و یا خاک‌های باتلاقی خوب رشد نمی‌کند و برای تولید میوه خوب نیاز به سرمای زمستان دارد ولی یخبندان ممتد را تحمل نمی‌کند». (روحانی، ۱۳۸۴، ۶۳)

جنس سرو

«سرو درختی همیشه سبز است و از دسته بازدانگان و تیره مخروطیان محسوب می‌شود. رنگ پوست تنه و شاخه‌های آن سفید و در برخی گونه‌ها زرد یا کمی مایل به قرمز است. درخت سرو دارای گونه‌های متنوع است که برخی از نمونه‌های فراوان آن در ایران عبارتند از: «سرو ناز، با تاجی مخروطی شکل و زیبا که میوه آن به صورت کروی می‌باشد. شاخه‌هایش متمایل و نوک آن به سمت بالا قرار دارد. گونه زربین، دارای انشعابات فرعی و افقی است.»

سرو نقره‌ای، دارای برگ‌های نقره‌ای است. سرو خمره‌ای، با برگ‌های فلسی شکل به رنگ سبز و روشن است. شاخه‌های سرو آزاد، نیز سرو راست رسته‌اند. سرو زینتی، که در باغ‌ها و منازل پرورش می‌یابد و دارای شکل مخروطی بسیار زیباست. سرو شیرازی، از

و کار جنید است. در باغ، مقابل کاخ همایون درختان شکوفان و پر از میوه نارنج و پرتقال، در کنار درختان بلند و افراشته تبریزی و چنار جلوه‌گری می‌نمایند. درخت تبریزی مانند ساقه بلندی است که شاخه‌ها در آن دیده نشده و توده‌های برگ با فواصلی بر روی تنه آن تکرار شده‌اند؛ در حالی که در طبیعت درختان این چینی دارای شاخه‌هایی افراشته‌اند. اما درختان نارنج و پرتقال به لحاظ شکل کلی با توده‌های برگ‌های انبوه و تاج‌های نسبتاً کروی ترسیم شده که از شکل‌های طبیعی الهام گرفته شده‌اند. آنچه مسلم است در طبیعت آثار جنید با فضاهای کاملاً مثالی روبه‌رو هستیم و در واقعیت بیرون، درختان و گیاهان، با شاخ و برگی این چنین منظم و میوه‌هایی که گویی دانه دانه بر درخت چیده شده‌اند، یافت نمی‌شود.

درخت گیلاس و تطبیق شکل آن با گونه همسان در نگارگری

«درخت گیلاس درختی است بلند و افراشته، پوست تنه آن به رنگ قرمز تیره و براق است، و گاهی لکه‌های قهوه‌ای روشن بر روی آن دیده می‌شود». (روحانی، ۱۳۸۴، ۶۳) «شاخه‌های جوان قهوه‌ای براق و بعضی اوقات با پوشش خاکستری رنگ هستند و دارای جوانه‌هایی هستند که به صورت گروهی در انتهای شاخه می‌رویند». (ماجت، ۱۳۸۳، ۸۰)

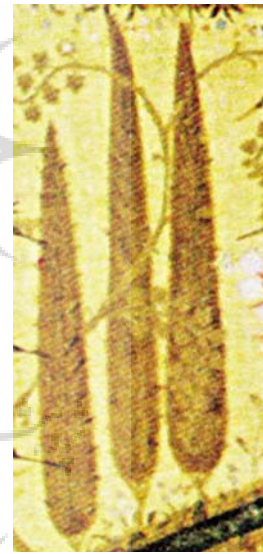
«برگ‌ها ساده و متناوب و دارای دندانه‌های ریز و نوک تیز به طول ۶ تا ۱۵ سانتیمتر، دوکی شکل و به



تصویر ۱۷- منظره عارفانه، از نسخه خطی گزینۀ اشعار هفت شاعر، بهبهان (فارس)، ۸۰۱ هـ ق، استانبول.



تصویر ۱۵- سرو شیرازی در اثر منظره های عارفانه، بهبهان.



تصویر ۱۶- درختان سرو شیرازی در رویشگاه طبیعی.

اکثر آثار این دوره مملو از گل و گیاه و درخت می باشد؛ آن چنان که گویی « زمین چو نوعروسی آرایش یافته است. کوه های شکوفه پوش، سر مست از شیر بهاری، نردبان آسمان را پله پله بالا می روند؛ و ما خود را در سپیده دم دنیایی می یابیم که شب هنگام را از یاد برده جز بهار را به جا نمی آورد». (کُورکیان، ۱۳۷۷، ۱۷۶)

در این اثر درختان سرو، درخت کاج با میوه شبیه به گل، درخت شکوفه سفید با ساقه قرمز، درختان نخل با برگ سبز و خوشه هایی قرمز و طلایی خرما، درختان عرعر با شاخه هایی گسترده و درختان دیگر که برگ هایی

واریته های سرو ناز است که در شیراز به خوبی رشد می کند. سرو شیرازی که به عنوان گیاه تزئینی در باغ های تاریخی و در محورهای اصلی کاشته می شده است. (ثابتی، ، ۱۳۸۲، ۷۵) «سرو سهی، سروی باشد راست رسته و دوشاخ که شاخ های آن راست می باشد». (دهخدا، ذیل عنوان سرو)

تطبیق شکل درختان سرو با گونه همسان در نگاره/ منظره های عارفانه

این تصویر مربوط به نسخه خطی گزینۀ اشعار هفت شاعر و مکتب شیراز است؛ و فضای آن ها مانند



تصاویر ۲۰ و ۲۱ بزم های عاشقانه، بخارا، حدود ۹۶۸ هـ. ق، مجموعه خصوصی.

طور زیبایی پیچ خورده اند، خارج می شود. شاخه ها متعدد و باریک و بالا رونده اند. برگ های آن به شکل متراکمی شاخه ها را می پوشانند. (همان، ۱۳۸۴، ۱۰۴)

سرو کوهی مای مرز: «درختی کوچک یا درختچه ای بزرگ، با انشعابات گسترده و بسیار انبوه و تاجی مخروطی شکل می باشد. دارای پوست نازک و خاکستری مایل به قهوه ای است. انشعاب شاخه ها از تنه، تقریباً



تصویر ۱۹ - سرو و شکوفه در اثر بزم های عاشقانه، بخارا، استانبول،



تصویر ۱۸- سرو و شکوفه در رویشگاه طبیعی، استانبول،

لطیف دارند و تنها در چنین خیال لطیفی می توان نمونه آن ها را یافت.

سرو و درختان شکوفه دار و تطبیق آن ها با نگاره های / بزم های عاشقانه

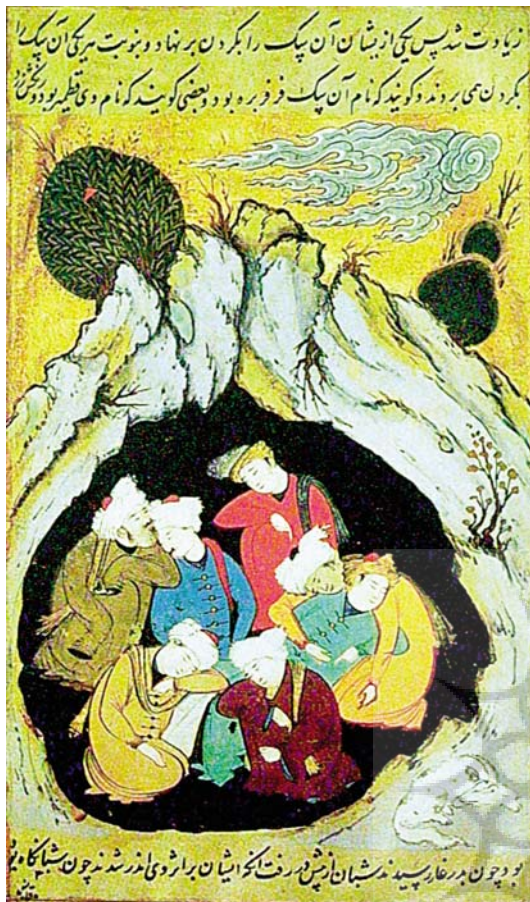
در این دو نگاره که به سال ۹۶۸ هـ. ق در بخارا تصور گردیده؛ در هر دو اثر فضای تصویر توسط دیوار باغ به دو بخش مجزا تقسیم شده است. در کنار دیوار باغ افرادی غرق در سرور جوانی خویش در میان سبزه، گل و جویبار لحظاتی را با خوشی سر می کنند؛ و در آن سوی دیوار درختان سرو ناز، با شاخه های شکوفان سیب و گیلاس ترکیبی دلنشین است که به زبان شیرین طبیعت دل انگیز باغ، بر شادمانی دلدادگان جوان می افزاید.

سروهای کوهی

«سه گونه از درخت سرو کوهی در ایران وجود دارد که عبارتند از: ارس، مای مرز و پیرو». (دهخدا، ذیل عنوان سرو کوهی)

سرو کوهی پیرو: «درختی است کوچک با تاجی هرمی، متراکم و فشرده و به شکلی باریک یا گسترده. تنه آن چند تایی و آجری رنگ است؛ شاخه ها را به طور متراکمی پوشانده اند و شاخه ها با یک زاویه قائم، از تنه منشعب شده و بعد از چند سانتیمتر تغییر جهت داده، موازی با تنه رشد می کنند و شکلی افراشته به خود می گیرند». (روحانی، ۱۳۸۴، ۱۰۵-۱۰۶، ماجت، ۱۳۸۳، ۱۲۹)

سرو کوهی ارس: «درختی است با قد متوسط و رشد آن حالت افراشته دارد. شکل درخت هرمی و متراکم است. یک تنه اصلی دارد که به صورت موج دار بالا می رود، و رنگ آن قهوه ای مایل به خاکستری است. از تنه اصلی شاخه های جانبی نابرابری که به



تصویر ۲۴- هفت تن خفتگان شهر افسس، صحنه ای از تاریخ انبیاء، نوشته اسحاق ابن ابراهیم، منسوب به آقارضا، حدود ۹۹۹ هـ.ق، پاریس، کتابخانه ملی.



تصویر ۲۲- سرو کوهی ارس در رویشگاه طبیعی.



تصویر ۲۳- سرو کوهی ارس در اثر هفت تن خفتگان شهر افسس، آقارضا، ۹۹۹ هـ.ق.

بعد، کارگران آن گور سنگی را می شکافند و هفت تن شهیدان را خفته می یابند...» (کُورکیان، ۱۳۷۷، ۲۲۶) در این نگاره بر بالای غار و نوک صخره (کوه) دو درختچه وحشی روییده اند که گواه بر پاکان خفته در زیر آن است.

از درون انبوه برگ درختچه ها، ضمن داشتن شکل کلی منظم و خیالی، شاخه هایی نیز بیرون زده که در نگاه نخست، گویی دو درختچه سرو کوهی از دو گونه متفاوت هستند، اما با وجود شباهت هایی چون داشتن شاخه های افراشته که از ابتدای تنه روییده اند، انبوه برگ هایی که تنه و شاخه ها را پوشانده به نظر می رسد که از یک گونه بوده، و شباهت زیادی با سرو کوهی ارس دارند.

نزدیک به زمین و به گونه ای است که به نظر می رسد تنه درخت، از نوع چند تایی است». (ماجت، ۱۳۸۳، ۱۲۹ و ۱۳۰)

تطبیق شکل سروهای کوهی با گونه های همسان در نگاره /هفت تن خفتگان افسس

این تصویر نگاره ای است برای نسخه تاریخ انبیاء، اثر « اسحاق ابن ابراهیم»، که توسط «آقا رضا»، در پایان سده دهم، مصور گردیده و اشاره به داستان هفت تن از پارسایان دارد که در اواخر دوره امپراتوری دسیوس، به قصد فرار از پرستش اجباری بت ها خود را در غاری پنهان ساختند. امپراتور بی رحمانه فرمان داد که دور ایشان را دیوار بگیرند... صد و نود و شش سال

نتیجه

با توجه به آنچه اشاره شد می توان گفت نوع و گونه های درختان ترسیم شده در آثار نگارگری ضمن هماهنگی با پوشش گیاهی مناطق شکل گیری مکاتب، در کلیه نگاره ها دارای یک ویژگی



بوده و آن هم رویکرد به اصل جوهره وجودی درختان است. با رجوع به نمونه های تصویری ارائه شده در این پژوهش و نیز توجه به این مطلب که آثار نگارگری نمودی تصویری است از متون و اشعار نویسندگان و شعرای بزرگ ایرانی، که با تفکر شخصی این هنرمندان همراه گشته، و بی تردید نوع نگرش و عمق نگاه تصویری آنان سبب شده درختان در این آثار به مدد قلم استادانه نگارگران به گونه ای تصویر شوند که هم شکل ظاهری آن ها با نمونه های طبیعی شباهت پیدا کند و هم توجه نگارگر به اصل و جوهره درختان در اغلب آثار به آن ها جنبه ای مثالی ببخشد.

در واقع نظام واحدی که در شکل درختان تصویر شده در نگارهای مکاتب مختلف وجود دارد متأثر از نگرش موجود در متون ادبی و نیز نگاه هنرمند ایرانی است که در کنار شیوه های گوناگون و تنوع تصویری انواع درختان در نگاره ها، در تمامی آثار دقت و توجه به شکل ظاهری با اصل وجودی درختان همراه گشته است. همچنین گونه هایی از درختان، چون سروها، چنار و درختان شکوفه، بدون در نظر گرفتن شرایط اقلیمی، به دلیل اهمیت جنبه نمادین شان در اکثر نگاره ها دیده می شود.

منابع و مأخذ

- بینیون، لورنس، نیکلسون، ج. و. س.، گری، بازیل، سیر تاریخ نقاشی ایرانی، ترجمه محمد ایرانمنش، تهران، امیر کبیر، چاپ اول ۱۳۶۷.
- پاکبان، رویین، دایره المعارف هنر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.
- ثابتی، حبیب الله، جنگل ها درختان و درختچه های ایران، تهران، دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۲.
- حسینی، مهدی، تقابل انسان با طبیعت آن را تخریب می کند، اقلیم خیال، ۱۳۸۴.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- رجبی، مجتبی، باغ ایرانی، ماهنامه آفتاب، سال دوم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۸، ش ۷.
- رنگچی، غلامحسین، گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی تا ابتدای دوره مغول، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
- روحانی، غزاله، راهنمای انتخاب و داشت درختان زینتی در فضای سبز، تهران، آبیژ، ۱۳۸۴.
- سودآور، ابوالعلاء، هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمد شمیرانی، تهران، کارنگ، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- کُورکیان، ام، سیکر، ژ. پ، باغ های خیال (هفت قرن مینیاتور ایران)، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، فرزانه، چاپ اول ۱۳۷۷.
- گلستان حبیبی، مسعود، اشاراتی در باب ماهیت هنر اسلامی (توحید نقش)، اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
- ماجت، ج. و. ماتو سووا، آ. اسکومالووا، ترجمه مهرانگیز پولادیان و اصغر کهندل، تهران، موسسه آیه، چاپ اول ۱۳۸۳.